

سالهای خوش خیالی

جان‌گری

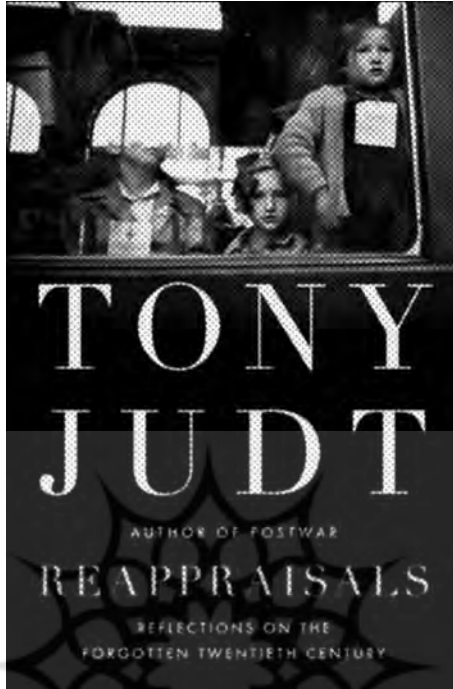
واحدرا دنبال می‌کنند. بازنگری‌ها نقدی اساسی است بر حیات روشنفکری در دو دهه گذشته و این بیشتر بت‌های فکری چپ هستند که در این بازنگری سرنگون می‌شوند. مورخ مارکسیست اریک هابسباوم به عنوان «یک ماندگارین کمونیست» توصیف شده است با تمامی «... اعتماد به نفس و تعصب خاص صنف او»؛ کسی که با چشم فرو بستن بر جنایات استالین «وحشت و شرمساری این عصر را به خواب غفلت گذراند». از نظر او لویی آلتوسر، بنیانگذار نوعی مارکسیسم عزلت‌گرا که با ارائه انبوهی از آرای نامفهوم برای یک نسل بخشی از جهان

آکادمیک را به خود مشغول داشت به «... یکی از علمای خرده‌پای دینی قرون وسطی می‌ماند که خود گرفتار بالا و پایین‌کردن مقولاتی است که چیزی جز زائیده تصورات او نیز نیست».

داوری‌هایی تند، ولی در عین حال بجا. هر یک از این نویسندگان باورهای سیاسی خود را از مظان انطباق با واقعیت‌های تاریخی دور نگه داشتند؛ هابسباوم با سکوتی پدرسالارانه و آلتوسر از طریق عقب‌نشینی به جهانی نامفهوم. در نتیجه هیچ یک برای درک قرن گذشته گامی پیش نگذاشتند.

در عوض جود از آرتور کستلر، «روشنفکر نمونه‌ای ستایش می‌کند که با یک سازش ناپذیری شجاعانه... جایی در تاریخ برای خود گشود».

جود در حمله خود به اوهام خوش خیالانه در مورد کمونیسم، صریح و قاطع است ولی هدفش نه بازسازی نبردهای روشنفکری جنگ سرد، بلکه تأکیدی است بر واقع‌گرایی مضمینی که دامن اندیشه‌های بعد از جنگ سرد را نیز فرا گرفته است؛ نقصانی که هم شامل حال روشنفکران لیبرال امریکا می‌شود و هم نومحافظه‌کاران آن‌دیار. همان‌گونه که جود خاطرنشان می‌کند، هم طرز تفکر لیبرال و هم تالی نومحافظه‌کار آن از میزان بالایی از محلی‌گرایی برخوردار بود که در ترکیب با یک برنامه جاه‌طلبانه جهت بازسازی جهان بر اساس یک نمونه آمریکایی، به شکل‌دادن نوعی از سیاست خارجی کمک



Reappraisals: Reflections on the Forgotten Twentieth Century. Tony Judt. William Heinemann, 464 pp.

دوره بین سقوط کمونیسم تا حمله به عراق دورانی است که در خلال آن رهبران غربی از بابت نادانی خود نسبت به تاریخ احساس فخر و غرور می‌کردند. همگی در این توهم گویای عصر مابعد جنگ سرد شریک بودند: درگیری‌های قرن بیستم را پشت سر گذاشته‌ایم و به آموختن از گذشته نیز احتیاجی نداریم. جهان به

پشتوانه نیروی به ظاهر لایزال ارتش امریکا و تولید برتر اقتصاد غرب، به دوره‌ای جدید از صلح و دموکراسی گام نهاده است.

تونی جود هیچ‌گاه در این باور سهیم نبوده است. این مورخ انگلیسی تبار که در حال حاضر در نیویورک استاد دانشگاه است، در کتاب جدید خود **بازنگری‌ها: تأملاتی در باب قرن فراموش شده بیستم** بیست و سه رساله خود را به نشر سپرده است که قبلاً در فاصله سالهای ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۶ منتشر شده‌اند. آنها به نقد بی‌رحمانه اوهام رایج در سالهای بعد از جنگ - ایامی که وی از آن تحت عنوان «سالهایی که ملخ خورد» یاد می‌کند - اختصاص دارند. البته ممکن است چنین به نظر آید رسائلی که در یک دوره دوازده ساله منتشر شده‌اند برای ارائه یک تحلیل منسجم از بلاهت‌های یک دوره محمل مناسبی نیستند، به ویژه آنکه در این رسائیل مضامین و نویسندگان متفاوتی نیز موضوع بحث و تحلیل بوده‌اند.

مجموعه ارزیابی‌هایی روشنگر از کارنامه پرمو لوی و هانا آرنه، یک ساختار شکنی اساسی از بریتانیای عصر بلر، بحثی ریشه‌ای در علل سقوط فرانسه در ۱۹۴۰، بررسی دولتمداری درهم شکسته بلژیک و موقعیت ناروشن رومانی در اروپا، تحلیل بحران کوبا و دیپلماسی کیسینجر از جمله مباحث مطرح شده در این کتاب هستند. اگرچه این تنوع مضامین می‌تواند مانع از شکل‌گیری یک انسجام موضوعی به نظر آید ولی تمامی این نوشته‌ها یک موضوع

کرده است که به فاجعه عصر بوش منجر شد. نومحافظه کاران به همراه بسیاری از لیبرال‌ها، براساس یک رشته مفاهیم تنگ نظرانهٔ امریکا محور هیچ‌گاه در مورد ریشه‌های این رویارویی که به مراحل نخست تشکیل رژیم شوروی بر می‌گشت تأمل لازم را به کار نبردند. نابودی عراق و شتاب فزایندهٔ افول قدرت امریکا که هم‌اکنون ابعادی بحرانی یافته، حاصل این امر بود.

جود به ویژه لیبرال‌های ستیزه‌جو را به خاطر همکاری‌شان با نومحافظه کاران مورد سرزنش قرار می‌دهد که موجب شد نوعی از تفکر سیاسی در عرصهٔ اصلی سیاست جای گیرد که از چپ قدیم به ارث مانده بود. «آنها تصور می‌کنند که به دیگر سوی ساحل رسیده‌اند، ولی حتی اگر از شور و شوق آنها برای دگرگونی‌های خشونت‌بار سیاسی - آن هم به حساب دیگران - بگذریم دقیقاً همان آمیزه‌ای از باورهای قطعی و محلی‌گرایی فرهنگی را بروز می‌دهند که خصیصهٔ اصلی اسلاف سازشکار آنها در دورهٔ صف‌آرایی‌های عقیدتی جنگ سرد بود.» از نظر جود لیبرال‌های چپی چون مایکل ایگناتیف و پاول برمن جز دنباله‌روان محض اردوی بوش چیز دیگری نیستند. به نوشتهٔ او «جنگاوران مُبل‌نشین لیبرال همان "پهلول دانای" جنگ بر ضد ترور هستند» و چند صفحه بعد نیز این بحث را بدین‌گونه تصریح می‌کند: «در امریکای امروز لیبرال‌ها صرفاً به سترعورتِ خط‌مشی‌هایی صریحاً قلدرانهٔ نومحافظه کاران اشتغال دارند. در واقع تفاوت چندانی میان آنها نیست.»

جود این مقاله را «سکوت بره‌ها: درباب مرگ عجیب امریکای لیبرال» نام نهاده است که ممکن است کمی افراطی به نظر آید. بسیاری از لیبرال‌های امریکایی - از جمله باراک اوباما - از بدو کار با جنگ عراق مخالف بودند. ولی بسیاری از ارگان‌های اصلی لیبرالیسم امریکا - مثلاً واشینگتن پست و نیویورک تایمز - به نحوی نسنجیده و حقیر با تشکیلات بوش همسو شدند و کار مقابله با اطلاعات غلطی که در مورد جنگ منتشر می‌شد برعهدهٔ روزنامه‌نگاران پژوهشگری قرار گرفت چون سیمور هرش و مایکل مَسینگ. صدای کسانی که از آغاز با جنگ مخالف بودند - غالباً محافظه کاران سبک قدیم و بقایای چپ ضد امپریالیست - در رسانه‌های اصلی ایالات متحده بازتابی نیافت. مسئولیت تداوم این کشتار هولناک در عراق به همان اندازه که

متوجه نومحافظه کارانی است که آن را طراحی کردند، بر دوش لیبرال‌هایی که بدان مشروعیت بخشیدند نیز سنگینی می‌کند. جود در تجزیه و تحلیل انگیزه‌های این گروه از لیبرال‌های ستیزه‌جو، از نوعی میل و کشش به سمت احیای ساده انگاری‌های اخلاقی قدیم یاد می‌کند: «پس از حسرتی طولانی به یاد حقایق آرام‌بخش یک دوران سپری شده، امروزه روشنفکران لیبرال، بار دیگر هدفی را در پیش روی یافته‌اند: با "بنیادگرایی اسلامی" رود در رو شده‌اند.»

داوری او در مورد این حسرت اخلاقی لیبرال‌های چپ صحیح است. اگرچه این امر را خاطر نشان نکرده است ولی کاملاً آشکار است که برای بخشی از چپ بریتانیا، ایالات متحده در مقام قدرتی که قرار است موجبات یک دگرگونی انقلابی را در امور بشریت فراهم آورد، جایگزین اتحاد شوروی سابق شده است. نومحافظه کاران و لیبرال‌های همراه آنها نیز همانند عناصر شوروی خواه قبلی از بروز خشونت و خونریزی در نقاط دوردست، نگرانی‌ای به دل راه نمی‌دهند چراکه در این فراز و نشیب، فقط نظام دیگری را متولی تحقق رویای پیشین خود ترسیم می‌کنند.

نقد جود بر نقش روشنفکران لیبرال در سیاست، گسترده و بی‌رحمانه است. دلیل اصلی لحن و زبان تند او نیز در آن است که وی به هر حال به عنوان یکی از اعضای این سنت روشنفکری می‌نویسد. البته هنگامی که در مورد یک راه حل تک دولتی برای مناقشهٔ فلسطینیان و اسرائیلی‌ها می‌نویسد و یا پیشنهاد می‌کند که جهان قرن بیستم اروپا را سرمشق قرار دهد، او نیز به همان اندازهٔ نویسندگانی که مورد انتقاد قرار می‌دهد از واقع‌گرایی فاصله می‌گیرد؛ ولی هنگامی هم که بر خطاست، شجاعت و جذبت اخلاقی خود را حفظ می‌کند. تونی جود نیز همانند ریمون آرون، سیاستمدار فرزانه و خستگی‌ناپذیر فرانسوی که روح او در این کتاب موج می‌زند، متفکر لیبرالی است که خود را وقف افسانه‌زدایی از اوهام لیبرالی ساخته است. بازنگری‌ها رساله‌ای است درخور و شایستهٔ این زمانه، به قلم یکی از سیاسی‌نویس‌های برجستهٔ این عصر.

* به نقل از: (09.05.08). *The Guardian Weekly*.

بزرگی اشتراکی

علاقه مندان به اشتراک جهان کتاب می‌توانند پس از واريز حق اشتراک به حساب جاری ۱۴۱۵۰ نزدیک ملت شعبه زهره، کد ۶۳۶۰/۲ (قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملت) به نام موسسه فرهنگی - هنری جهان کتاب، اصل رسید بانکی را به همراه برگ اشتراک تکمیل شده به نشانی تهران - صندوق پستی ۳۸۹-۱۵۷۴۵ ارسال فرمایند.

بهای اشتراک یکساله (۱۲ شماره):

در داخل کشور:

● برای اشخاص: ۷۰۰۰۰ ریال

● برای موسسات و کتابخانه‌ها: ۸۰۰۰۰ ریال

در خارج کشور:

● خاورمیانه و کشورهای همجوار: ۳۰۰۰۰۰ ریال

● اروپا: ۳۰۰۰۰۰ ریال

● آمریکا، کانادا، استرالیا و خاور دور: ۳۵۰۰۰۰ ریال

مشخصات مشترک:

نام:

نام خانوادگی:

نشانی:

کد پستی:

شماره اشتراک:

تاریخ شروع اشتراک:

تلفن: